

زندگی قباله‌ها: حاشیه نگاری، استنساخ و ثبت اسناد در اوایل ایران مدرن

نوبوآکی کندو
ترجمه: علی محمد آزاده

| ۱۵۷-۱۷۱ |

Kondo, Nobuaki: "The Lives of Qabalas: Annotation, Transcription and Registration of Documents in Early Modern Iran", Eurasian Studies. XII (2014): pp 565-576

The Lives of Qabalas: Annotation, Transcription and Registration of Documents in Early Modern Iran
Nobuaki Kondo

Abstract: The article describes the tradition of documentation as a part of written culture in early modern Iran. Unlike book manuscript in pre-modern period, on which one can easily expect that it has the readers and copyists, a traditional qabala or private deed, such as a sale deed, a lease deed, a loan deed, a marriage deed or a waqf deed, which were drawn up at Shari'a courts, one might not expect that it would be read by the public or be copied by copyists. However, historical evidences show us that these kinds of documents also were sometimes referred to again and again. Sometimes they were annotated, transcribed, and registered later. In other words, the qabalas also had their own lives: some information added to them as annotation in the course of time, and their information was transmitted to other type of documents.

Keywords: Qabala, Annotation, Transcription, Shari'a courts, the Texts of Qabalas, Qajar Period, Safavid Period.

چکیده: این مقاله به توصیف سنت سند نویسی به عنوان بخشی از فرهنگ مکتوب اوایل ایران مدرن می‌پردازد. برخلاف نسخه برداری از کتب در دوره پیش از مدرن که به راحتی می‌شد انتظار داشت کتاب خواندگانی و نسخه بردارانی دارد؛ اما نمی‌شد انتظار داشت قباله سنتی یا سند خصوصی نظیر مبیعه‌نامه، اجاره‌نامه، قرض‌نامه، عقدنامه یا وقف‌نامه که در محاضر شرع تنظیم می‌شدند، عموم مردم آن را بخوانند یا نسخه برداران آن را استنساخ کنند؛ با این وجود اسناد تاریخی نشان می‌دهند که گاهی بارها و بارها به این اسناد مراجعه می‌شد یا گاهی بر آنها حاشیه می‌زدند، استنساخ و بعدها ثبت می‌شدند. به عبارت دیگر «قباله‌ها» زندگی خود را داشتند. در گذر زمان برخی اطلاعات به عنوان تحشیه بر آنها افزوده می‌شد و اطلاعاتشان به دیگر انواع اسناد منتقل می‌گردید.

کلیدواژه‌ها: قباله، حاشیه نگاری، استنساخ، دفاتر محضری، سیاهه قباله‌ها، دوره قاجاریه، دوره صفویه



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بی‌شک نویسندگان مهم‌ترین عامل در یک اثر ادبی است. با این وجود وقتی نویسندگان کار خود را در نگارش رساله به اتمام می‌رسانند، انتظار دارد برخی خوانندگان آن را بخوانند یا چند نسخه بردار آن را استنساخ کنند. می‌توان چنین فرض کرد که چنین نُسخی مخاطبانی شامل خواننده و نسخه بردار داشته‌اند و تحلیل کرد که چگونه مخاطبان متون را به دست می‌آوردند.

با این تفصیل مایل هستم در این نوشتار اسناد حقوقی را بررسی کنم؛ گرچه این اسناد دست‌نویس هستند، هدف از تولید آنها برای جامعه‌ای که برای آن ایجاد شده‌اند، کاملاً با هدف تولید نسخ خطی متفاوت است. شاید گفته شود بعید است اسناد حقوقی توسط خوانندگان متعدد معمولی خوانده شوند؛ چراکه فوق‌العاده رسمی هستند و تقریباً سبک‌شان به طور کامل از قبل مشخص بوده است؛ همچنین شامل بخش زیادی از اصطلاحات حقوقی به زبان عربی هستند که فهم آنها به یقین برای مشاغل غیرحقوقی دشوار است؛ افزون بر اینکه از آنجا که بیشتر اسناد حقوقی قراردادهایی دوطرفه هستند، نمی‌تواند مورد علاقه کسانی باشد که به آن قراردادها ارتباطی ندارند؛ اما بدان معنا نیست که هیچ‌کسی به این اسناد رجوع نمی‌کند. در واقع در اوایل ایران مدرن به اسناد حقوقی بسیار رجوع می‌شد و تحشیه، نسخه برداری و ثبت می‌شدند. به عبارت دیگر اسناد حقوقی پس از تولید، زندگی خود را داشتند. در این فصل مایلیم نشان دهم چرا و چگونه به اسناد مراجعه می‌شد؟ تحشیه می‌شدند؟ استنساخ و درگذر زمان ثبت می‌شدند؟ گرچه اخیراً مطالعات اندک قابل توجهی دربارهٔ سندشناسی فارسی اسناد حقوقی منتشر شده است؛^۱ ولی دربارهٔ اینکه از چه طریقی اطلاعات از یک سند حقوقی به انواع دیگر اسناد منتقل شده است، تاکنون به طور کامل پرداخته نشده است.

هرسندی که در این نوشتار به آن می‌پردازم، در فارسی قباله نام دارد (جمع آن: قبالات). واژه قباله در عربی به معنای وثیقه یا ضمانت است و از فعل قَبَلَ به معنای ضمانت‌کردن است.^۲ در زبان فارسی دست‌کم در ایران همچنین اشاره به قراردادهای حقوقی دارد که بر اساس فقه تنظیم می‌شدند. در مواردی قباله به معنای نکاح‌نامه، هم چنین شامل مبیعه‌نامه، اجاره‌نامه و وقف‌نامه‌ها هم می‌شود.^۳ این اسناد نه تنها گواهی بر قراردادهای، بلکه همچنین حکایت از اعتبار قانونی‌شان داشتند. می‌توان گفت مهم‌ترین تفاوت بین قباله‌ها و نسخ خطی این است که در

1. Werner, Christoph, "Formal Aspects of Qajar Deeds of Sale", in Kondo, Nobuaki (ed.), *Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth-Nineteenth Centuries* (London: Routledge Curzon, 2003): pp. 13-49; Rizā'ī, Umīd, *Dar-āmadī bar asnād-i šar'ī-i dawra-i Qājār* (Tokyo: Research Institute for Languages and Cultures of Asia and Africa, 2008).

2. Cowan, J.M., (ed.), *The Hans Webr Dictionary of Modern Written Arabic* (New York: Spoken Language Services, 1976): pp. 739, 741.

۳. محمد معین؛ فرهنگ فارسی؛ ص ۲۶۳۲-۲۶۳۳. در مناطق دیگر به آن حجه، وثیقه (به عربی وثیقه) و غیره گفته می‌شود.

موارد بسیار زیادی، قباله‌ها تضمین‌کننده مالکیت یا حق بر عین و نمائات بر اموال بودند. می‌توان گفت قباله‌ها نه تنها به زندگی معنوی، بلکه به زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم زمانه مربوط می‌شدند. در اوایل ایران مدرن، متن اصلی قباله‌ها به زبان فارسی نگاشته می‌شد و علما هم آنها را به زبان عربی تصدیق می‌کردند.

حاشیه‌نگاری

اولین نمونه قباله‌ای که بررسی خواهد شد، مبیعه‌نامه یک سهم از روستایی در نهم رجب سال ۱۲۶۹ است.^۴ ملاطیب اسپو هزار جریبی^۵ بالارستاقی همراه با شرکای چهارگانه اش هر یک به مقدار پانزده سهم از بیست سهم [از یک دانگ از چهار دانگ و نیم از کل شش دانگ] قریه سعدآباد را به ملا محسن هزار جریبی بالارستاقی به قیمت هزار تومان فروختند. این بیع با مصالحه‌نامه به جای مبیعه‌نامه کامل شد. مصالحه‌کردن در ایران قرن نوزدهم مرسوم بود.^۶

این سند ترکیب کاملی از قباله‌های قرن نوزدهم ایران را در خود دارد. متن اصلی در وسط قرار دارد که به تاریخ و مهر بایع ختم می‌شود. قسمت فوقانی برای سجلات یا تصدیق مقامات قضایی همچون قضات یا مجتهدین^۷ به همراه مهرهایشان اختصاص دارد. این سند شش سجل و چهار مهر در این قسمت دارد. حاشیه راست برای شهادت و مهرها بوده و در این سند چهار تصدیق و مهر را می‌توان مشاهده کرد. این سه مؤلفه از قسمت‌های اصلی قباله‌های مدرن اولیه هستند.^۸ با این وجود گاهی در این اسناد می‌توان تعلیقاتی را یافت که دیگر مجتهدین انجام داده‌اند. در مبیعه‌نامه ملاطیب در قسمت پایینی، حاشیه راست، سه حاشیه‌نگاری به تاریخ ۱۲۸۶/۱۲۸۶ وجود دارد که هفت سال پس از نگارش سند نوشته شد. اولین آن به زبان عربی است: خط الفوق من المرحوم الشهید قدس سره. دومی به فارسی به همان خط: این سند و قباله در غایت اتقان و اعتبار است. سومی نیز به فارسی به تاریخ دهم ربیع‌الثانی سال ۱۲۸۶: این سند معتبر است و عبارت «جری ما فیه حسبما فیه جری لدی» از بیان شریعت بنیان آقای سعید شهید رئیس قدس سره صادر شده و بختم شریف محتوم شده. هر حاشیه‌نگاری مهور به مهر همان حاشیه‌نویس است: سجع اولین و دومین مهر «عبد محمد بن صادق العقیلی» و سومین هم مهر منقش به «عبد نصرالله» است.

۴. کتابخانه دانشگاه تهران، میکروفیلم ش ۵۶۲۷، قاب ۱۴۸.

۵. معلوم می‌شود که این هزار جریب معروف‌ترین بوده که در نزدیکی ساری مازندران قرار داشت.

۶. برای کاربرد مصالحه به جای مبیعه، نک: Werner, "Formal Aspects": pp. 42-3; رضایی؛ درآمدی بر اسناد؛ ص ۱۶۰-۱۶۳.

۷. برای تعریف مجتهدین در قرن نوزدهم ایران، نک:

Kondo, Nobuaki, "Shi'i 'Ulamā and Ijāza during the Nineteenth Century," *Orient*, XLIV (2009): pp. 55-76.

۸. Werner, "Formal Aspects": pp. 18, 20.

این سه تحشیه، اصالت خط و مهر مجتهد را تأیید می‌کنند که سند را اعتبار بخشیده‌اند؛ بنابراین آنها اعتبارش را تصدیق کرده‌اند. مشخص نیست چرا سند نیاز داشت که دوباره تأیید گردد؛ اما شاید دعوایی حقوقی مطرح بوده است. از آنجا که سند اعتبار معامله را ثابت می‌کرد، هرگاه کسی اعتبار آن را زیر سؤال می‌برد، لازم بود کسی که سند را در اختیار دارد، آن را برای تأیید نزد مجتهدین ببرد.



شکل ۱. مبیعه‌نامه،
مازندران، به تاریخ ۹ رجب
سال ۱۲۶۹
کتابخانه مرکزی دانشگاه
تهران، میکروفیلم ش
۵۶۲۷، قاب ۱۴۸ (اعطایی
کتابخانه مرکزی دانشگاه
تهران)

نمونه دیگر وقف‌نامه مورخه بیست و نهم ربیع‌الاول ۱۲۶۵ است.^۹ دو فرزند استاد عباس به نام‌های ملاغلامحسین و سکینه‌خاتون، موقوفه‌ای را که شامل یک چهارم سهم حمام عمومی احدائی پدرشان در محله بازار تهران بود، تأسیس کردند. این یکی از سه وقف‌نامه‌ای است که به دعوای وقف استاد عباس مربوط می‌شود.^{۱۰} سند اصل نیست؛ ولی سوادى از آن بعدها در اداره کل اوقاف وزارت معارف و اوقاف در تاریخ یازدهم حمل ۱۳۳۳ استنساخ شد. گرچه سواد است؛ اما به

۹. سازمان اوقاف ایران، اداره کل اموال و اسناد ملکی، تهران، پرونده ش ۳۲۲.

۱۰. برای جزئیات دعوی، نک:

KONDO, Nobuaki. "The Waqf of Ustad 'Abbas: Rewrites of the deeds in Qajar Tehran," in Id. (ed.), *Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth-Nineteenth Centuries* (London: Routledge Curzon, 2003): pp. 106-28.

شکل اصل سند و ترکیب آن همچون دیگر نسخ موجود در اداره اوقاف مرکزی در سال‌های اولیه پس از تأسیس آن اداره محفوظ و نگه‌داری شد.^{۱۱}

می‌توان در گوشه و کنار متن اصلی، حاشیه‌نگاری‌های متعددی را که بیش از پانزده مجتهد نوشته‌اند، مشاهده کرد. برخی از آنها تاریخ دارند؛ برای نمونه آقا محمد مهدی کلباسی مجتهد اصفهان، سند را در تاریخ رجب ۱۲۶۶ تأیید کرد. مجتهدی در تهران آقا محمد صادق سنگلجی، سند را در جمادی الاول ۱۲۸۷ تصدیق کرد. مجتهد دیگر تهران آقا میرزا مرتضی صدرالعلما، سند را در بیست و یکم شعبان ۱۲۹۳ تأیید نمود. در آخر سند را میرزا حسن آشتیانی، مجتهد اعلم دوره قیام تنباکو در جمادی الثانی ۱۳۰۰ تصدیق کرد. این حاشیه‌نگاری‌ها نشان می‌دهند که در گذر سی و پنج ساله‌ای پس از تولید سند، مجتهدان مختلف بارها و در جاهای مختلف آن را مجدداً تأیید کرده‌اند. ظاهراً دلیل آن هم معلوم است: مجتهدین بایستی سند را تأیید می‌کردند؛ چراکه مدعیان در اعتبار موقوفه تردید داشتند.

افزون بر این، نوع دیگری از تحشیه که در سند یافت می‌شود، فتاوی یا نظریات فقهی مربوط به دعوی است.^{۱۲} سند بایستی به عنوان مدرک در دعوی حقوقی مورد استفاده قرار می‌گرفت و این حاشیه‌نگاری‌ها روند حقوقی آن را مشخص می‌کنند. از آنجایی که اوقاف در ذات خود دائمی است، گاهی دعوی حقوقی بر سر آنها چند دهه به طول می‌انجامد. در چنین مواردی مکرراً به اسناد وقفی مراجعه و برخی مجتهدین آنها را حاشیه‌نگاری می‌کردند.

محققین مدرن نیاز به بررسی دقیق این حاشیه‌نگاری‌ها دارند تا به ما جزئیات سوابق سند را که در متون کلیشه‌ای اصلی حذف شده‌اند، بگویند.

استنساخ

نمونه قبلی نسخه استنساخی سال ۱۲۹۳ بود؛ ولی ما نمونه‌هایی از نسخه‌های استنساخی قرن نوزدهم نیز داریم. در مواردی چند نسخه از متن اصلی تهیه شده است؛ اما به استثنای این موارد، نسخه برداری از اصل پس از دوره زمانی مشخص شکل می‌گرفت؛ برای نمونه قرض‌نامه‌ای با نسخه‌ای به تاریخ دوم ربیع‌الاول ۱۲۵۵ است. اسکندر میرزا نوه فتحعلیشاه قاجار (س ۱۸۳۴-۱۷۹۷) ۳۵۰ تومان از استاد اسدالله با ۲۵ تومان بهره برای سه ماه قرض گرفت. وثیقه آن هم منزل و سه دکانش در محله سنگلج تهران بود.^{۱۳}

۱۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد این نوع از استنساخ، نک: امید رضایی؛ «استنساخ و ثبت اسناد در اداره کل اوقاف»؛ جستارهایی در سندشناسی فارسی؛ ص ۱۴۳-۱۵۹.

۱۲. متون و ترجمه‌های انگلیسی فتاوی؛ نک:

KONDO. "The Waqf of Ustad 'Abbas": pp. 114, 117, 125, 126.

۱۳. گنجینه اسناد ملی ایران، سند ش ۹-۲۹۶-۱-۲۶۵. معامله بیع شرطی که معامله رهنی پیچیده‌ای است

استنساخ آن به تاریخ ۱۲۵۷ دو سال بعد از تاریخ قرارداد است.^{۱۴} ترکیبات دوسند تقریباً یکسان است: تمام مؤلفه‌های متن و سجلات همانند هستند، تنها تفاوت در مهرهای شان است. به طور طبیعی نسخه اصلی مهرهای خود قرض‌گیرنده و مجتهد را داشت و نسخه استنساخی فقط محل مهر و مالک مهر با عناوین طولانی محترمانه را دارد. چنانکه مهر میرمحمد مهدی امام جمعه تهران را اینگونه می‌خوانیم: محل مهر آثاری شریف سرکاری عظمت اقتدار جلالت آثار شریعتمدار جناب مستطاب مشایخ الاسلام ذی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول فخرالعلماء الاسلام، بهیه الفقهاء آقای آقا امام جمعه و جماعت دارالخلافة دام عزه العالی.

افزون بر این، سجل‌های خاصی برای نسخه‌ها وجود دارند که به آن اضافه شده‌اند؛ برای نمونه السواد کالاصل المهمور بخاتمی. در این مورد، صاحب مهر حاجی ملا محمد جعفر استرآبادی اصل و سواد را مهر کرده است. هر پنج مهر روی سواد در زمان استنساخ مهر شده بودند.

می‌دانیم در چند مورد بیش از دو نسخه اصلی با همان عبارات به طور هم‌زمان تهیه شده است.^{۱۵} با وجود این وقتی نیاز به نسخه‌ای از سند پیش می‌آمد، اسناد با سجل مخصوص مجتهدین استنساخ می‌شد. طرفه اینکه دفاتر محاضر شرعی ثابت نموده‌اند که استنساخ، همان‌طور که خواهیم دید، جزئی از کار همیشه‌گی آنها بوده است.

ثبت

متوجه شده‌ایم که اسناد اصلی چگونه تحشیه و استنساخ می‌شدند. حال به موضوع ثبت اسناد می‌پردازیم. دو نوع ثبت وجود داشت که من به دفاتر محاضر شرعی و فهرست یک قباله ارجاع می‌دهم.

الف) دفاتر ثبت محاضر شرعی

دفاتر معاملات حقوقی در دفتر به شکل مجلدات صحافی شده وجود داشت. این دفاتر نه تنها شامل دعاوی و مرافعات بلکه همچنین قراردادهایی چون بیع، اجاره، قرض، نکاح و طلاق هم می‌شدند. به عبارت دیگر تمام قبالاتی که در محضر تأیید می‌شد و هنگام تنظیم در محضر یک قاضی یا یک مجتهد آن را تأیید می‌کرد، می‌توانست ثبت شود. دفاتر محضر عثمانی بسیار غنی و

نامیده شد که تحت فقه اسلامی شیعی قرض پول با بهره را امکان‌پذیر می‌کرد. برای جزئیات، نک:

Kondo, Nobuaki, "Moneylending in Qajar Tehran: Analysis of 'Stipulated' Sale Deeds" [in Japanese], *Seinan-Ajia Kenkyu*, LXIII (2005): pp. 14-40.

۱۴. گنجینه اسناد ملی ایران، سند ش ۵-۲۶۵-۹-۲۹۶.

۱۵. برای اطلاعات بیشتر برای این نوع نسخه‌های چندگانه اصلی، نک: امیدرضایی؛ «نسخ هم‌سنگ در دوره قاجار»؛ جستارهایی در سندی‌شناسی فارسی؛ ص ۱۰۸-۱۲۵.

زیاد بودند و محققین متعددی بر روی آنها کار کرده و می‌کنند.^{۱۶} در مقابل، دفاتر محضر غیرعثمانی چندان شناخته شده نیستند یا مورد غفلت قرار گرفته‌اند. کشف اخیر چند دفتر محضر ایرانی باعث شد تا تحقیقی در مورد آنها را شروع کنم. در اینجا به دو دفتر اشاره می‌کنم: یکی مربوط به سید محمدصادق سنگلجی و دومی مربوط به شیخ فضل‌الله نوری است که هر دو دفتر به تهران نیمه دوم قرن نوزدهم تعلق دارند.^{۱۷} در اصل دفاتر محضر ایرانی به خود مجتهدین تعلق داشتند. این دلیلی است بر اینکه چرا آرشیوهای دولتی ایران برخلاف آرشیو عثمانی به ندرت این نوع دفاتر را حفظ نموده‌اند.

دفتر سنگلجی شامل ۹۹۲ معامله در سال‌های ۱۲۸۴ و ۱۲۸۵ و دفتر نوری شامل ۱۵۲۴ معامله مربوط به سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۶ را دربردارند.^{۱۸} ما از این دفاتر متوجه می‌شویم چه فعالیت‌هایی در محاضرشان انجام می‌گرفت. بیش از هفتاد درصد معاملات صورت گرفته در محاضرشان بر اساس قباله بوده و می‌توان بیان کرد که تهیه و تأیید قباله‌ها بخش قابل توجهی از فعالیت‌های محاضر را شامل می‌شد؛ بنابراین قباله‌های می‌توانستند در زمان تهیه و تأیید به ثبت برسند، گرچه این تردید وجود دارد که تمام محاضر شرعی قاجاریه دارای چنین دفاتر ثبتی بوده باشند.

دفاتر ثبت همچنین اطلاعاتی در مورد اینکه قباله‌ها چگونه تحشیه خورده و استنساخ می‌شدند، ارائه می‌کنند؛ نیز تحشیه‌ها و سواد اسناد در دفاتر ثبت می‌شدند؛ برای نمونه سنگلجی مباحثه‌نامه‌ای به تاریخ بیست و سوم جمادی الثانی ۱۲۷۲ را ثبت کرده است که بر اساس آن لطفعلی خان قراگوزلو، سهمی از چهار روستا را به علی خان سرتیپ قراگوزلو فروخت. دلیل آنکه سنگلجی این قباله را ثبت کرده است، این بود که او در تاریخ بیست و نهم شعبان ۱۲۸۲ بر آن تحشیه بدین قرار اضافه کرد: از قرار امهار جمعی از علما اعلام کثر الله امثالهم معامله مسطوره متن صحیح و واقعست.^{۱۹}

در خصوص معاملات می‌توان نمونه‌ای از ثبت نوری آورد:

۱۶. برای وضعیت مطالعات عثمانی، نک:

Ze'evi, Dror, "The Use of Ottoman Shari'a Court Records as a Source for Middle Eastern Social History: A Reappraisal", *Islamic Law and Society*, V (1998): pp. 35-56.

۱۷. دفتر سنگلجی به شکل عکس برداری منتشر شد: امید رضایی (ویرایش)؛ اسناد محکمه سید صادق (سنگلجی) مجتهد ناصری (تهران: نشر آبی، ۱۳۸۷ ش). دفتر نوری توسط منصوره اتحادیه و سعید روحی ویرایش و منتشر شد؛ در محضر شیخ فضل‌الله نوری: اسناد حقوقی عهد ناصری (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۵ ش).

۱۸. این اعداد بر اساس شمارش من بوده است. ویرایش دفتر نوری در کل ۱۴۵۲ عدد بود؛ اما روش شمارش آن با من تفاوت دارد. برای جزئیات تحلیل من از این دفاتر، نک:

Kondo, Nobuaki, "Shari'a Court Records from Tehran in the Second Half of the Nineteenth Century" [in Japanese], *The Journal of Oriental researches*, LXX/2 (2011): pp. 420-389.

۱۹. امید رضایی (ویرایش)؛ اسناد ... سید صادق طباطبایی: ص ۳۰.

«در ۱۴ رمضان سوادى از روى قبولى اجاره‌كه داده است آقا سيدرضا پسر حاجى سيدقاسم به حاجيه خانم دختر مرحوم اميرنظام در باب قريه فتح‌آباد ساوه در مدت سه سال به مبلغ هشتصد تومان، از آن سواد، مهر و سجل شده است».^{۲۰}

مثال مشخص ديگرى با سجل عربى در دفتر سنگلجى يافت مى‌شود:

«السواد مطابق الاصل المشتمل على عشرين سجلاً و اثنین و عشرين خاتماً...».

سجل بر روى سواد مباحه نامه روستايى در حومه شمالى تهران بين آقا محمدحسن صندوقدار و قاسم آقا به تاريخ ۱۸ ربيع الاول سال ۱۲۸۴ منعقد شده، نوشته شده است.^{۲۱}

اين نمونه‌ها به روشنى آشكار مى‌كنند كه استنساخ اسناد اصلى، بخشى از كار جارى محضر شرعى بوده و نه تنها متن [بدنه]، بلكه تمام تصديقات و مهرها را در آنجا استنساخ مى‌شدند؛ همچنين دفاتر ثبت محضر شرعى به عنوان مركز پشتيبانى براى اسناد انجام وظيفه مى‌کردند. در دفتر سنگلجى به ثبتي بر مى‌خوريم كه دربارهٔ صدور مجدد يك سند است. طبق آن قباله اصلى مصالحه نامچه خريد و فروش خانه‌اى در تهران بين آخوند ملا يعقوب و ميرزا بيگ بوده كه در بيست و هفتم ذى الحجه ۱۲۸۱ ثبت شد. سه سال بعد، سنگلجى مجدداً در پنجم جمادى الاولى ۱۲۸۵ سواد جديدى از سندر ابر اساس ثبت دفترش تهيه و تصديق و آن را به يكي از طرفين دعوا تحويل داد.^{۲۲} در اينجا مى‌توان به رابطه دو طرفه بين قباله‌ها و دفاتر محضرى برد: اصل قباله‌ها در دفاتر مجتهدين به ثبت مى‌رسيدند و اين ثبت در آينده براى استنساخ دوباره سند مورد مراجعه قرار مى‌گرفت.

ب) سياهه قباله

نوع دوم دفاتر، سياهه قباله‌ها كه ثبت قباله‌ها را شامل مى‌شود كه شخصى آنها را حفظ کرده و به شكل مجلد شده‌اى وجود داشت. از آنجايى كه قباله‌ها به مالكيّت فرد برمّال خود اطمينان خاطر مى‌داد مالک آنها را به مدت طولانى در اختيار خود داشت. كسانى كه داراى اموال زيادى بودند، سياهه‌اى از قباله‌هاى خود تهيه مى‌کردند.

نمونه اول كه در اينجا به آن اشاره مى‌كنم، صريح الملك است. اين سياهه اسناد موجود در مخزن شيخ صفى الدين (وفات ۷۳۵ ق) در اردبيل است كه عمدتاً اسناد قرون نهم تا يازدهم را در بر مى‌گيرد. دو نسخه از اين سياهه وجود دارد. اولى را عبدى بيگ شيرازى تاريخ‌نگار و مقامات دربار شاه طهماسب (س ۹۲۴ - ۹۷۶) در سال ۹۷۰ تهيه كرد كه براى محققين زيادى شناخته شده

۲۰. منصوره اتحاديه و سعید روحی (ویرایش)؛ در محضر شیخ فضل‌الله نوری؛ ص ۴۴۶، ش ۸۹۹.

۲۱. امید رضایی (به کوشش)؛ اسناد... سید صادق طباطبایی؛ ص ۳۹.

۲۲. همان، ص ۱۸۳.

و محل رجوع است.^{۲۳} اما نسخه محمدطاهر سپاهانی که در ربیع‌الاول سال ۱۰۳۸ جمع‌آوری شده است، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.^{۲۴} هر دو نسخه هنوز منتشر نشده‌اند و در موزه ایران باستان در تهران نگه‌داری می‌شوند. فرقه صوفی صفوی و بقعه، اغلب شمار زیادی املاک شهری و روستایی خریداری و اسناد متعدد مربوط به آنها را جمع‌آوری می‌کردند. فرمان شاه طهماسب در ربیع‌الاول ۹۷۳ دلیل تألیف صریح الملک را توضیح می‌دهد. در آن زمان مشکل بود که تشخیص داده شود کدام ملک به وقف بقعه اختصاص دارد و کدام یک ملک شخصی شیوخ صفوی است. شرایط اداره موقوفات در آن زمان چندان به سامان نبود. در جهت بهبود اوضاع و نظارت بر املاک به شکل مؤثر، شاه دستور داد اسناد مربوطه بررسی شوند.^{۲۵} به طور طبیعی برای بقعه مهم بود که اسناد را نگه‌داری کند تا آنها را از غصب و دعوی محافظت نماید. برخلاف دفاتر محکمه، سپاهه قباله‌ها فقط بدنه [متن] اسناد را شامل می‌شد: آنها تمام سجلات و اسامی قضات را حذف کردند. برای مقصودشان هر امر مربوط به تصدیقات ظاهر ضروری به نظر نمی‌رسید.

می‌توان گفت سپاهه‌های اسناد شیوخ جویباری از قرن دهم بخارا^{۲۶} و سپاهه‌های وقف‌نامه‌های

23 For this version, see Morton, A.H., "The Ardabil Shrine in the Reign of Shāh Ṭahmāsp I", *Iran*, XII (1974): pp. 31-64, esp. pp. 32-6; Aubin, Jean, "La propriété foncière en Azerbaydjan sous le Mongols", *Le Monde Iranien et l'Islam*, IV (1976-7): pp. 79-132, esp. pp. 89-93; Gronke, Monika, *Derwische im Vorhof der Macht: Sozialund Wirtschaftsgeschichte Nordwestirans im 13. und 14. Jahrhundert* (Stuttgart: F. Steiner Verlag, 1993): pp. 18-24;

عمادالدین شیخ حکمایی؛ فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی ص xx-xxii.

See also Rizvi, Khishvar, *The Safavid Dynastic Shrine: Architecture, Religion and Power in Early Modern Iran* (London: I.B. Tauris, 2010): pp. 102-23.

اخیراً قسمت اول این نسخه منتشر شد. زین‌العابدین عبدی بیگ نویدی شیرازی؛ صریح الملک: وقف‌نامه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی؛ ویرایش محمود محمد هدایتی (تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۰ ش).

۲۴. برای این نسخه، نک: محمدتقی دانش‌پژوه؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه موزه ایران باستان؛ نسخه‌های خطی، II (۱۳۴۱ ش/۱۹۶۲)، ص ۱۹۹-۲۱۸، به‌ویژه ص ۲۰۹. زرینه‌باف شهر به میکروفیلم نسخه سپاهانی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ش ۱۶۵۵) همراه با نسخه عبدی ارجاع داده، گرچه او اشاره بیشتری به اطلاعات کتابشناسی فهرست‌ها نمی‌کند؛

(Zarinebaf-Shahr, Fariba, "Economic activities of Safavid women in the shrine-city of Ardabil", *JrSt*, XXXI (1998): pp. 246-61).

به نظر می‌رسد که پس از تألیف سال ۱۶۲۹ اضافاتی چند بر متن (بدنه) نسخه‌های موزه ایران باستان به دلیل اینکه شامل چند سند مربوط به سال‌های ۱۶۵۰-۱۶۵۲ داده شد. موزه ایران باستان، نسخه‌های خطی ش ۴۳۲۴۰ دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی، میکروفیلم ش. ff(۱۶۵۷) نشریه: ۳۴ب-۱۳۱الف؛ موزه ایران باستان، نسخه‌های خطی، ش ۳۷۰۳ (دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی، میکروفیلم ش ۱۶۵۵) نشریه: ff. ۱۶۸-۱۶۸الف. من فقط به میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ارجاع داده‌ام.

25 The royal order is published in Fagner, Bert, "Das Ardabil Heiligtum in den Urkunden", *WZKM*, LXVII (1975): pp. 178-88.

26 Bertel's, E.E., (ed.), *Iz arxiva šejxov Džujbari: materialy po zemel'nyim i torgovim otnošenijam Srednej Azii XVI veka* (Moscow: Izdatel'stvo Akademii Nauk SSSR, 1938).

آستان قدس رضوی در مشهد^{۲۷} به دفتر ثبت صریح الملک خلیلی شبیه هستند.

نه تنها فرقه‌های صوفی و بقاع، بلکه شاهان قاجار نیز از این نوع سیاهه‌ها داشتند. در صفر ۱۲۹۰ ناصرالدین‌شاه (س ۱۲۴۷-۱۳۱۳) سیاهه قباله‌ای را تهیه نمود. آن سیاهه شامل ۷۷۲ قباله بود که در خزانه مبارکه اندرونی و صندوق خانه مبارکه نگه‌داری می‌شدند.^{۲۸} سیاهه، اسناد شاهان و شاهزادگان قاجار و همچنین دولتمردانی چون حاجی میرزا آغاسی و منوچهرخان گرجی را شامل می‌شد که اموال شان یا منتقل یا شاهان قاجار آنها را ضبط کرده بودند (جدول ۱). قدیمی‌ترین آنها سند فتحعلی‌خان قاجار (وفات ۱۱۲۶)، پدربزرگ آغا محمدشاه (اولین شاه قاجار س ۱۱۹۶-۷) می‌شد که سهم ۷۵ درصدی چند روستا در مازندران را از حاجی محمدحسین به بهای ۱۴۵ تومان در صفر ۱۱۳۳ خرید.^{۲۹} ثبت نشان می‌دهد که سند به مدت بیش از صدوپنجاه سال در اختیار خاندان قاجاری قرار داشت و سپس در فهرست قرار گرفت.

جدول ۱: اطلاعات فهرست قباله قاجاری

اسامی	رقم سند	سال‌ها	مکان
ناصرالدین‌شاه	۹۶	۱۲۶۵-۱۲۹۰	تهران، فارس، آذربایجان، غیره
آغا محمدشاه	۱۶	۱۱۹۰-۱۲۰۹	تهران، مازندران، غیره
فتحعلی‌شاه	۴۴	۱۱۹۶-۱۲۴۶	تهران، مازندران، غیره
عباس میرزا	۸۵	۱۲۱۱-۱۲۴۷	آذربایجان، تهران، غیره
محمدشاه	۱۱	۱۲۵۰-۱۲۶۴	تهران، آذربایجان، غیره
فتحعلی‌خان قاجار	۱	۱۱۳۲	مازندران
محمدحسن‌خان قاجار	۳	۱۱۵۵-۱۱۶۳	مازندران، استرآباد
حاجی میرزا آغاسی	۳۳۶	۱۲۵۰-۱۲۶۴	تهران، خراسان، آذربایجان، غیره
میرزا محمد شفیع	۶۹	۱۲۰۱-۱۲۳۷	مازندران، تهران، غیره
خازن‌الدوله	۱	۱۲۶۴	فارس
امین‌الدوله	۱	۱۲۲۵	فارس

۲۷. میرزا اسماعیل‌خان همدانی؛ آثار الرضویه من منتخبات الصدیقیه، (بی‌جا، ۱۳۱۷ق/ ۱۹۰۰).

See also Werner, Christoph, "Soziale Aspekte von Stiftungen zugunsten des Schreins von Imām Riżā in Mašhad, 1527-1897", in Meier, Astrid, Pahlitzsch, Johannes and Lucian Reinfandt (eds.), *Islamische Stiftungen zwischen juristischer Norm und sozialer Praxis* (Berlin: Akademie Verlag, 2009): pp. 167-89.

۲۸. کتابچه ثبت قبالات و نوشتجات در خزانه مبارکه اندرونی و صندوقخانه مبارکه. مایلم که تشکر قلبی خود را از آقای بیانی به عمل آورم که اجازه استفاده از نسخه خطی را به من داد. نسخه بعداً در بهمن بیانی و منصوره اتحادیه، (ویرایش) کتابچه قبالات خزانه مبارکه، املاک حاجی میرزا آغاسی، خالصجات و موقوفات دیوانی اعلی (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۷ش/ ۹-۲۰۰۸)، ص ۲۷-۱۵۵. متأسفانه اشتباهاتی در ارتباط با ویرایش در متن چاپ شده وجود دارد.

۲۹. کتابچه قبالات؛ ص ۷۴؛ بیانی و اتحادیه (ویرایش)؛ کتابچه قبالات؛ ص ۸۰.

مازندران، بسطام	۱۱۹۴-۱۲۰۴	۲۲	جعفرقلی‌خان قاجار
تهران، اصفهان، گیلان و غیره	۱۲۲۶-۱۲۶۲	۸۷	منوچهرخان گرجی
		۷۷۲	جمع

هرمدخل فشرده‌ای از معامله‌ای را دربردارد و متن [بدنه] و تصدیقات اسناد حذف شده است؛ برای نمونه: «قباله‌ مصالحه‌ نامه‌ اعیان و عمارت و قصر و بیوتات و عمارت سردر واقع در قریه‌ نیاوران، نواب علیه‌ فخرالدوله به شاه مرحوم محمدشاه مصالحه‌ شزعی نموده است به مبلغ یک تومان تبریزی شهر بیع الاول ۱۲۵۵.۱ سواد».^{۳۰}

برخی معاملات خرد بودند؛ برای نمونه: «قباله‌ ۷۵۰ ذرع زمین ساده واقع در میدان ارک طهران پهلوی دفترخانه که حالا مسجد شاه ساخته شده، میرزا محمد امین مشهور به میرزا باباخلف حاجی محمد حسین طهرانی به خاقان مغفور (فتحعلی‌شاه) فروخته به مبلغ ۱۱ تومان و ۲۵۰۰ دینار، شهر شوال ۱۲۲۰».^{۳۱}

از دید ما معامله زمین با چنین ثمنی برای حاکم ایران چندان مهم نبود؛ ولی او قباله را در خزانه نگه‌داری نمود. اکثر قباله‌ها به مستغلات مربوط می‌شدند؛ ولی چند قباله مربوط به غلام، کنیز و جاریه درسیاهه پیدا شدند.

در یک کلام دفاتر ثبت نشان می‌دهد که حتی شاهان قاجار مجبور بودند هنگام خرید مستغلات، اسناد حقوقی آن را تهیه کرده و آن درخزائن نگه‌داری نمایند. هنگامی که آنها از مردم خرید می‌کردند، قباله‌های مربوط به این املاک به طور هم‌زمان صادر می‌شد. درحقیقت مجموعه بزرگی از قباله‌ها در کاخ گلستان تهران وجود دارد.^{۳۲} افزون بر آن شاهان سیاهه قباله‌ها را تدوین می‌کردند.

مظفرالدین‌شاه (س ۱۳۱۳-۱۳۲۵) همانند پدر دستور تهیه همان نوع سیاهه را صادر نمود.^{۳۳} سیاهه شامل ۴۷ قباله برای املاکی بود که طی سال‌های ۱۲۹۰-۱۳۱۹ خریداری کرده بود. این سیاهه برخلاف سیاهه پدرش، شامل سواد تصدیقات مجتهدین هم می‌شد.

سؤال مطرح شده این است که چرا شاهان قاجار اسناد را حفظ و برای آنها سیاهه تهیه می‌کردند؟

^{۳۰} کتابچه قبالجات؛ ص ۷۱؛ بیانی و اتحادیه (ویرایش)؛ کتابچه قبالجات؛ ص ۷۸ (ص ۷۹ صحیح است).

^{۳۱} کتابچه قبالجات؛ ص ۴۳؛ بیانی و اتحادیه (ویرایش)؛ کتابچه قبالجات؛ ص ۶۰.

^{۳۲} من این‌شانس را داشتم که در تابستان سال ۲۰۰۰ شماری از قباله‌ها را در کاخ موزه گلستان مطالعه کنم. کریستف ورنهم اخیراً از این مجموعه نام برده است:

Werner, Christoph, *An Iranian Town in Transition: A Social and Economic History of the Elites of Tabriz, 1747-1848* (Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2000): p. 85

^{۳۳} کتابچه املاک سلطنتی، نسخه‌های خطی، تهران، ش ۵۶۳۳.

احتمالاً بدین دلیل بوده است که قاجارها برای حقوق مالکیت اسلامی و نظم حقوقی جامعه احترام قایل بودند؛ گرچه اغلب هنگام انقلاب مشروطیت از آنها به عنوان مستبد یاد می‌شود؛ ولی نیاز بود وفق فقه اسلامی املاک خود را حفظ کنند.

نکات پایانی

نمودار نشان می‌دهد که چگونه قباله‌ها حاشیه‌نویسی، استنساخ و در اوایل ایران دوره مدرن ثبت می‌شدند. محتویات اصلی اسناد به مارسیده‌اند، گرچه روش‌شان به صورت‌های مختلفی بوده است. گاهی قباله اصلی تا امروز حفظ شده است؛ ولی در مواردی قباله در حاشیه‌اش مورد تصدیق و تحشیه قرار گرفته است. در موارد دیگری قباله استنساخ شده و اسناد موجود امروزی، نسخه استنساخ شده آن است. افزون بر این یک قباله را می‌توان به دو شکل ثبت نمود: اول: هنگام تنظیم یک قاضی یا مجتهد آن را در دفتر محکمه شرع ثبت می‌کرد؛ دوم: صاحب قباله می‌توانست سیاهه‌ای از قباله‌هایی که در دست داشت، تنظیم کند. اگر قباله را گم می‌کرد، صاحب آن این بخت را داشت تا سوادای تهیه کند یا تقاضای صدور مجدد آن را از دفتر ثبت محکمه به صورت خلاصه داشته باشد.

نمودار

نمودار ۱: تغییر شکل اسناد در اوایل ایران دوره مدرن

در این فرایند، به قضات و مجتهدین قباله‌ها ارجاع می‌شد که رد پای‌شان در اسناد دیده می‌شود. اسناد مشابه نسخه خطی آثار ادبی برای خوانندگان معمولی نیستند؛ اما از آنها انتظار می‌رفت که مقامات نظیر قضات و مجتهدین یا مالک و غاصب ملک به آنها مراجعه داشته باشند؛ همچنین اسناد خوانندگان بعدی هم داشتند.

دلیل اینکه باید در آینده به اسناد مراجعه می‌شد، اعتبار حقوقی‌شان بود. از آنجاکه اسناد، مالکیت یا حقوق افراد در استفاده از عین و نمائات را تضمین می‌کردند، نه تنها به دلیل امنیت‌شان، بلکه در حضور مقامات قضایی صادر می‌شدند که آنها را تصدیق و هنگام ضرورت بر آنها تحشیه می‌زدند؛ حتی شاهان قاجار که استبداد قدرت سیاسی خود را بر سراسر کشور اعمال می‌کردند، قباله‌های خود را حفظ می‌نمودند و سیاهه‌های خود را داشتند و آنها را برای دعوی احتمالی نگه‌داری می‌کردند؛ بنابراین متوجه می‌شویم که چگونه حقوق مالکیت اسلامی فراگیر بوده است. گرچه این اسناد با نسخ خطی تفاوت زیادی داشتند؛ ولی دائم مورد استفاده قرار می‌گرفتند و بالطبع نقش قابل توجهی در فرهنگ مکتوب اوایل ایران دوره مدرن ایفا نمودند.

ارجاعات کتاب‌شناسی

۱. اسناد و نسخ خطی

کتابچه املاک سلطنتی، نسخه‌های خطی کتابخانه ملک، تهران، ش ۵۶۳۳.
کتابچه ثبت قبالات و نوشتجات موجودی در خزانه مبارکه اندرونی و صندوقخانه مبارکه، نسخ خطی و مجموعه خصوصی بهمن بیانی.

قرض‌نامه اسکندر میرزا (اصل)، گنجینه اسناد ملی ایران، سند ش ۹-۲۹۶-۲۶۵.

قرض‌نامه اسکندر میرزا (نسخه)، گنجینه اسناد ملی ایران، سند ش ۹-۲۹۶-۲۶۵.

بیع‌نامه ملاطیب هزارجریبی بالارستاقی، دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی، میکروفیلم ش ۵۶۲۷، قاب ۱۴۸. صریح‌الملک (نسخه سپاهانی):

- موزه ایران باستان، تهران، نسخ خطی، ش ۳۷۰۳ (= میکروفیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۶۵۵)؛

- موزه ایران باستان، تهران، نسخ خطی، ش ۴۳۲۴ (= میکروفیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۶۵۷).

- وقف‌نامه استاد عباس، سازمان اوقاف ایران، اداره کل املاک و اسناد وقفی، تهران، پرونده ش ۳۲۲.

۲. منابع منتشرده و دست دوم

اتحادیه، منصوره و سعید روحی (ویرایش)؛ در محضر شیخ فضل‌الله نوری: اسناد حقوقی عهد ناصری؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۵ ش.

بیانی، بهمن و منصوره اتحادیه؛ کتابچه قبالات خزانه مبارکه، املاک حاجی میرزا آغاسی، خالصجات و موقوفات دیوان اعلی؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۷ ش / ۲۰۰۸-۲۰۰۹.

دانش پژوه، محمد تقی؛ «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه موزه ایران باستان»، نسخه خطی II؛ ۱۳۴۱ ش / ۱۹۶۲ م. رضایی، امید (ویرایش)؛ اسناد محکمه سیدصادق طباطبایی (سنگلجی) مجتهد ناصری؛ تهران: نشر آبی، ۱۳۸۷ ش / ۲۰۰۸-۲۰۰۹ م.

رضایی، امید؛ «استنساخ و ثبت اسناد در اداره کل اوقاف»؛ در: جستارهایی در سندی‌شناسی فارسی؛ تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف، ۱۳۸۵ ش / ۲۰۰۶ م.

رضایی، امید؛ «نسخ همسنگ در دوره قاجار»؛ در: جستارهایی در سندی‌شناسی فارسی؛ تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف، ۱۳۸۵ ش / ۲۰۰۶ م.

رضایی، امید؛ درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

شیخ‌الحکمایی، عمادالدین؛ فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ ش / ۲۰۰۹ م.

معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش / ۱۹۸۵ م.

نوبدی شیرازی، زین‌العابدین عبدی بیگ؛ صریح‌الملک: وقف‌نامه بقعه صفی‌الدین اردبیلی؛ ویرایش محمود محمد هدایتی؛ تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۰ ش / ۲۰۱۱-۲۰۱۲ م.

همدانی، میرزا اسماعیل خان؛ آثار الرضویه من منتخبات الصدیقیه؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۳۱۷ ق / ۱۹۰۰ م.

Aubin, Jean, "La propriété foncière en Azerbaydjan sous le Mongols", *Le Monde Iranien et l'Islam*, IV (1976-7): pp. 79-132.

Bertel's, E.E. (ed.), *Iz arxiva šexov Džujbari: materialy po zemel'nym i torgovim otnošenijam Srednej Azii XVI veka* (Moscow: Izdatel'stvo Akademii Nauk SSSR, 1938).

- Cowan, J.M. (ed.), *The Hans Webr Dictionary of Modern Written Arabic* (New York: Spoken Language Services, 1976).
- Fragner, Bert, "Das Ardabiler Heiligtum in den Urkunden", *WZKM*, LXVII (1975): pp. 177-225.
- Gronke, Monika, *Derwische im Vorhof der Macht: Sozial- und Wirtschaftsgeschichte Nordwestirans im 13. und 14. Jahrhundert* (Stuttgart: F. Steiner Verlag, 1993).
- Kondo, Nobuaki, "The Waqf of Ustad 'Abbas: Rewrites of the deeds in Qajar Tehran," in Kondo, Nobuaki (ed.), *Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth-Nineteenth Centuries* (London: Routledge Curzon, 2003): pp. 106-28.
- "Moneylending in Qajar Tehran: Analysis of 'Stipulated' Sale Deeds" [in Japanese], *Seinan-Ajia Kenkyu*, LXIII (2005): pp. 14-40.
- "Shi'i 'Ulamā and Ijāza during the Nineteenth Century", *Orient*, XLIV (2009): pp. 55-76.
- "Shari'a Court Records from Tehran in the Second Half of the Nineteenth Century" [in Japanese], *The Journal of Oriental Researches*, LXX/2 (2011): pp. 420-389.
- Morton, A.H., "The Ardabil Shrine in the Reign of Shāh Ṭahmāsp I", *Iran*, XII (1974): pp. 31-64.
- Rizvi, Khishvar, *The Safavid Dynastic Shrine: Architecture, Religion and Power in Early Modern Iran* (London: I. B. Tauris, 2010).
- Werner, Christoph, *An Iranian Town in Transition: A Social and Economic History of the Elites of Tabriz, 1747-1848* (Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2000).576
- "Formal Aspects of Qajar Deeds of Sale", in Kondo, Nobuaki (ed.), *Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth-Nineteenth Centuries* (London: Routledge Curzon, 2003): pp. 13-49.
- "Soziale Aspekte von Stiftungen zugunsten des Schreins von Imām Rizā in Mašhad, 1527-1897", in Meier, Astrid and Johannes Pahlitzsch, Lucian Reinfandt (eds.), *Islamische Stiftungen zwischen juristischer Norm und sozialer Praxis* (Berlin: Akademie Verlag, 2009): pp. 167-89.
- Zarinebaf-Shahr, Fariba, "Economic activities of Safavid women in the shrine-city of Ardabil", *IrSt*, XXXI (1998): pp. 246-61.
- Ze'evi, Dror, "The Use of Ottoman Shari'a Court Records as a Source for Middle Eastern Social History: A Reappraisal", *Islamic Law and Society*, V (1998): pp. 35-56.